



۱-مقدمه

«تشیع» در لغت بـه معنای پیروی، یاری و ولایت کسی را داشتن است. البته به مذهب شیعه نیز تشیع اطلاق می‌شود. شیعه در اصطلاح به مسلمانانی می‌گویند که حضرت علی علیه‌السلام را پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلیفه و امام شرعی می‌دانند و معتقدند امامت آن حضرت به وسیله نص و تعیین از جانب خداوند و با معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته و عمل کسانی را که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در سقیفه بنی‌ساعده گرد آمدند و غیر علی علیه‌السلام را به خلافت برگزیدند، نمی‌پذیرند. شیعه با داشتن اصول اعتقادی و سیاسی خاصش، یعنی اعتقاد به اینکه امامت از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین اصول اعتقادی است و سیاست از دیانت جدا نیست و نظام سیاسی و حکومتی از مبانی فکری و عقیدتی نشأت می‌گیرد، به طوری که اجرای احکام دین، بدون وجود حاکمیت سیاسی مقتدر امکان نمی‌پذیرد، در طول تاریخ فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. هجرت امام رضا علیه‌السلام، به دلیل تأثیرات فراوانی که داشته، در میان صدها حادثه در اذهان ایرانیان و شیعیان جایگاه خاصی دارد. امام علیه‌السلام در مسیر هجرت تاریخی خود از مدینه به مرو، از طریق بصره، اهواز، فارس و سپس راه کویر (یزد) به سوی نیشابور، طوس و سرخس و رهمسپار و از آنجا عازم مرو شدند. این حرکت تاریخی امام رضا علیه‌السلام به ایران، یکی از فرازهای مهم و حساس تاریخ اسلام و بویژه تاریخ تشیع به شمار می‌رود که در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، علمی، فرهنگی و اقتصادی ایرانیان تأثیرات بسزایی داشته است. اینک با توجه به اهمیت این موضوع، به بررسی تأثیرات حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران از ۵ بعد اعتقادی، اجتماعی، علمی- فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خواهیم پرداخت.

۲- تأثیرات اعتقادی

توجه به مسائل فکری و عقیدتی، همواره مورد توجه ویژه اهل بیت علیه‌السلام قرار گرفته و دوری از حکومت، هیچ گاه به منزله کناره‌گیری از صحنه اجتماع و رها کردن مردم در ابهامات فکری و عقیدتی نبوده است. ایشان از راه‌های مختلف برای معرفی عقاید حقه شیعه استفاده جستند و جریان شیعه را اگر چه آرام و غیرگسترده اما عمیق و پر محتوا حفظ کردند.

درباره تأثیر ورود امام رضا علیه‌السلام به ایران به لحاظ عقیدتی باید گفت: ورود امام رضا علیه‌السلام به ایران، مفهوم امامت را برای ما عینیت بخشید و درک آن را تسهیل کرد. حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران سبب تقویت باورهای تاریخی شیعه شد و بر هویت ما ایرانیان تأثیر نهاد. امام علیه‌السلام از هر شهری که عبور می‌کرد، بنای یک شهر شیعی را هر چند برای سال‌ها و قرن‌های بعد، پایه‌ریزی می‌کرد به طوری که بسیاری از تحلیلگران تاریخی معتقدند این سفر، ایران را متحول کرد و باعث شد این سرزمین بعدها به عنوان هسته مرکزی جهان تشیع به جهانیان معرفی شود. وقتی حضرت به ایران تشریف آوردند، تشیع را با خود جا به جا کردند و شیعه دارای کانون جغرافیایی شد. بنابراین هجرت امام علیه‌السلام به ایران در تشکیل جامعه شیعی قدرتمند با مرکزیت ایران، مؤثر بود. مطالعه عملکرد حضرت رضا علیه‌السلام در ایران نیز بخوبی نمایانگر اهتمام جدی ایشان به مسائل فکری و عقیدتی مردم است. حضرت در ۳ سال حضور پربرکتشان در خراسان، در تمام نامه‌ها و بیانات و مجالس و برخوردهای‌شان با مردم، هدفی را تعقیب می‌کردند و آن تقویت جریان شیعه اعتقادی بود. ایشان در هر فرصتی به ذکر احادیثی که دلیلی روشن بر برتری حضرت علی علیه‌السلام بر سایر مردم داشت، می‌پرداختند.

در عین آنکه مأمون، تمام تلاش خود را برای قطع ارتباط عاطفی و معنوی امام با مردم و شیعیان به کار برد ولی امام علیه‌السلام در هر فرصتی با پایگاه‌های مردمی خویش تماس می‌گرفت و با گفتار و کردار و معجزات و کرامات، حقانیت و امامت خویش را به اثبات می‌رسانید و رهبری و اطاعت از خویش را ندوام رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و شرط توحید می‌دانست. ایشان بدین ترتیب مشروعیت خلافت را از امثال مأمون سلب کرد و تشیع ناشی از دوستی اهل بیت علیه‌السلام را به تشیع اعتقادی اصیل تبدیل کرد.

نکته قابل توجه اینکه آن حضرت غالباً روایات خود را با حفظ سلسله سند از امامان قبل خود تا امام علی علیه‌السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمود و با این روش، تشیع اعتقادی را تأیید کرده، از تشیع سیاسی (مانند زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه و…) هیچ گاه حمایت نمی‌کرد. دیدار مردم نیشابور با امام رضا علیه‌السلام و شنیدن حدیث نابِ «سلسله‌الذهب»، مسلماً تأثیر



شگرفی بر گسترش و تعمیق تشیع در جان ایرانیان داشت. امام در این حدیث، اساسی‌ترین پایه ایمان به یگانگی خداوند متعال را پذیرش امامت خود - که به معنای پذیرش امامت سایر امامان علیهم‌السلام نیز هست- قرار داد. شیعیان به دلیل دوری از ائمه علیهم‌السلام و محدودیت‌هایی که عباسیان برای آنان فراهم کرده بودند، از نظر اعتقادی دچار مشکلات و شبهاتی شده بودند و از امام علیه‌السلام در این رابطه پرسش‌ها می‌کردند، چنانکه کلینی از عبدالعزیز روایت کرده: روز جمعه در مسجد جامع مرو بودیم. درباره امامت و فرقه‌فرقه شدن مردم صحبت شد که حضرت با تبسم وارد شد و شروع به تشریح امامت و طرح بحث غدیر و اوصاف امامت کرد. حضرت در این حدیث به بیان اختیارات و ویژگی‌های امامت پرداخت. امام رضا علیه‌السلام طی اقامت خود در مرو، به روشنی موضع شیعه را در برابر شبهات بیان می‌کرد و با تعبیر گوناگون و استفاده از سخنان امیر مؤمنان (علیه‌السلام)، پرسش‌ها را در حد توان فکری پرسش‌کننده پاسخ می‌داد. شاید بتوان گفت این از بزرگ‌ترین تأثیرات امام علیه‌السلام در نگرش فکری و اعتقادی جامعه اسلامی بود. روشنی که امام رضا علیه‌السلام برای حفظ اندیشه شیعه به کار گرفت و با اندیشه‌های انحرافی مبارزه کرد، هم مقابله بود و هم مطرح کردن اندیشه امامت و هم خاموش کردن آتش فتنه‌هایی که برای امامت و اندیشه تشیع مهیا شده بود. چنین روش جامع و مانعی در طول تاریخ نظیر ندارد.

در حقیقت می‌توان دوران امام رضا علیه‌السلام را آخرین مکتب عقیدتی تشیع نامید چرا که مکتب تشیع از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) آغاز شد و پس از آن، دوره امیرالمؤمنین بود. اوج تجلی و ظهور این مکتب در زمان امام صادق علیه‌السلام بود که مکتب جعفری شکل گرفت اما با توجه به فترتی که رخ داد و اختلافاتی که پدید آمد، مکتب رضوی به عنوان آخرین مکتب تشیع پدیدار شد که در آن، همه مسائل متعلق به ولایت و خلافت حل شد و آن حضرت علیه‌السلام درباره توحید و نبوت و امامت و سایر مسائل اعتقادی، چیزی را فروگذار نکرد. یکی از مهم‌ترین عوامل معرفی صحیح شیعه، شرکت امام رضا علیه‌السلام در جلسات مناظره‌ای بود که از ناحیه مأمون تشکیل می‌شد. شمار مناظرات امام با اهل کتاب و نمایندگان مسیحیان، یهودیان، مانویان، زرتشتیان، صابئین و فرق اسلامی، فراوان است. مباحث این گفت‌وگوهای علمی که به آرامی و در جو صمیمی بر گزار می‌شد، درباره آفرینش جهان، توحید، صفات خداوند، انبیای الهی، عصمت آنان، جبر و اختیار، امامت، تفسیر آیات گوناگون قرآن، فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام)، احادیث، دعا و احکام دین بود. مأمون برای محکوم کردن امام در جلسه‌های مناظره با بزرگان ادیان دیگر و دانشمندان بلاد مختلف، به تشکیل چنین جلسه‌هایی دست بازیده بود یا این حال امام از همه آنها سربلند بیرون آمد. امام علیه‌السلام با استدلالات خود، تمام شبهات مطرح شده را پاسخ می‌داد. چنین پاسخ‌هایی پس از انعکاس در جامعه آن روز، موجب استحکام و تقویت اعتقادات شیعی مردم را به وجود می‌آورد. پس از استقبال مردم از این جلسه‌ها، مأمون دستور داد مردم را از در خانه امام دور کنند تا مبدا شیعه واقعی به مردم معرفی شود.

مجموعه نامه‌هایی که امام علیه‌السلام برای توضیح مبانی تشیع به افراد گوناگون می‌نوشت، در گسترش فکر شیعی و استحکام پایه‌های اعتقادی آن در ایران بسیار اثر داشت. از جمله معروف‌ترین نامه‌های حضرت علیه‌السلام که در مقدمه آن بسیاری از مباحث اعتقادی شیعه مطرح شده است، نامه جامع‌الشریعه است که توسط امام علیه‌السلام به فضل بن سهل، وزیر مأمون املا و برای مأمون ارسال شد.

۲- تأثیرات اجتماعی

حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران، آثار اجتماعی بسیاری را بر جامعه ایران بویژه جامعه خراسان داشت که به برخی از این آثار اشاره می‌شود. شیعیان و علویان که سال‌ها طعم تلخ اسارت و توهین حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس را چشیده بودند، با حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران احساس آرامش کردند و مورد تجلیل و تکریم قرار گرفتند، زیرا ایرانیان با ورود امام علیه‌السلام دوستی خود را نسبت به اهل بیت به صورت آشکار، اظهار کردند. مأمون پس از فراخوانی امام رضا علیه‌السلام به ایران، ناگزیر شد برای جلب دوستی امام علیه‌السلام دست به اقداماتی بزند. این اقدامات موجب شد شیعیان از آزادی عمل خاصی برخوردار شوند. از جمله اقدامات مأمون که آزادی عمل سادات را در پی داشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- پیشنهاد خلافت و ولایتعهدی به امام رضا علیه‌السلام و پذیرش ولایتعهدی توسط امام (علیه‌السلام)

۲- اظهار تشیع سیاست‌گراانه مأمون و اعتراف او به مقام و منزلت اهل بیت (علیهم‌السلام)

۳- بخشیدن زید بن موسی بن جعفر، برادر امام رضا علیه‌السلام - که در بصره خروج کرده و خانه‌های بنی‌عباس را آتش زده بود - توسط مأمون به احترام امام رضا (علیه‌السلام)
۴- تبدیل کردن لباس و پرچم‌های سیاه که از نشانه‌های عباسیان بود، به لباس و پرچم‌های سبز که نشان ائمه علیهم‌السلام و شیعیان بود.
۵- ضرب سکه به نام حضرت رضا علیه‌السلام
۶- رد فذک به فرزندان حضرت زهرا سلام‌الله علیها از جمله آثار حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران و از علل گسترش تشیع در ایران، مهاجرت سادات علوی و ورود امامزادگان بسیار به این منطقه و بویژه خراسان بود. آزادی عمل شیعیان و تکریم علویان به علت تسامح مأمون در مقابل سختگیری پدرش نسبت به شیعیان را می‌توان از جمله علل این مهاجرت دانست. مأمون به علت اعتقادی که به برتری علی علیه‌السلام بر سایر خلفا داشت، نسبت به علویان نیز احترام زیادی قائل بود. البته مأمون خود نیز گروهی از فرزندان ابوطالب را به مرو فراخواند و ایشان به همراه حضرت رضا علیه‌السلام به ایران آمدند. همچنین نقل شده امام رضا علیه‌السلام پس از ولایتعهدی، نامه‌ای برای بستگان خود نوشت و آنان را به ایران دعوت کرد. این نامه باعث شد ۱۲۶۷۳ نفر از بستگان آن حضرت در چندین کاروان، مدینه را به قصد خراسان ترک کنند. از جمله این مهاجرت‌ها، مهاجرت حضرت فاطمه معصومه -سلام‌الله علیها- به ایران است. حضور این بانوی گرمی سبب گسترش بیشتر تشیع شد. حتی بعد از وفات ایشان، عداوی از سادات به قم مهاجرت کردند. این مهاجرت‌ها عامل مهمی در گسترش شیعه در ایران و خراسان بود. علاوه بر دعوت امام علیه‌السلام از علویان و محبوب بودن آنان نزد ایرانیان، تحت فشار بودن آنها در عراق هم دلیل دیگری بر این مهاجرت بود. مهاجرت از زمانی که فشار به سادات و شیعیان در عراق شدت گرفت، رو به گسترش نهاد. شیعیان ناگزیر به فکر یافتن مناطق امن‌تری برای زندگی خود افتادند. در شرق بویژه در ایران، زمینه‌های مناسبی برای این مهاجرت وجود داشت. از این رو بسیاری از شیعیان به این سرزمین سرازیر شدند و در آنجا به زندگی پرداختند. مهاجرت گروهی علویان به ایران به حدی بود که حاکم فارس از سوی مأمون دستور یافت از ورود آنان جلوگیری کند. رهبری کاروان با احمد بن موسی علیه‌السلام (شاهچراغ) و محمد بن موسی علیه‌السلام بود. آنان پس از درگیری با لشکر فارس، به یاران خود دستور دادند لباس مبدل بپوشند و در اطراف پراکنده شوند تا از گزند حکومت مأمون در امان باشند. به همین دلیل گفته می‌شود بیشتر امامزادگانی که در شهرهای گوناگون ایران مدفون شده‌اند، جزو همان قافله هستند. طرح مسافه از سادات و آل رسول عشق می‌ورزیدند، به این گروه پناه دادند و آنان را یاری کردند. حضور آنان در میان عاشقان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به گسترش تشیع اعتقادی انجامید. از نظر تاریخی، تردیدی نیست که حضور امام

علیه‌السلام در ایران و بویژه در خراسان، موجب گسترش تشیع بوده است. تماس شیعیان این ناحیه با امام و نگرش نامه‌هایی به آن حضرت و طرح سوال و گرفتن پاسخ، یکی از شواهد این امر است. با آمدن امام رضا علیه‌السلام به ایران و مهاجرت علویان و سادات و علما، مرکز تجمع و تبلیغات شیعیان اثنی‌عشری از کوفه و نجف به قم و خراسان سرایت کرد. در واقع وجود امام علیه‌السلام در خراسان باعث شد شخصیت ایشان به عنوان امام شیعه برای مردم بیشتر شناخته شود و از سوی دیگر، مرجعیت علمی امام موجب توسعه آثار شیعی و فزونی گرایش مردم به تشیع شد. توجه به حفظ آثار بر جای مانده از مسیر امام در شهرها و مناطقی که به نجوی محل استقرار امام بوده، نشان از علاقه ویژه شیعی در میان مردم است. شرکت مردم در جلسات درس آن حضرت علیه‌السلام و ابراز احساسات مردم به ایشان، دلیل روشنی بر گرایش عمیق مردم به مذهب تشیع تحت رهبری امام علیه‌السلام است. این ابراز احساسات در وقایع متعددی بروز کرد که از آن جمله می‌توان به قضیه نماز عید قربان توسط آن حضرت (علیه‌السلام)، استقبال مردم در نیشابور از ایشان... اشاره کرد. البته باید گفت در خراسان از دیرباز زمینه‌های گرایش به تشیع وجود داشت. یکی از این زمینه‌ها، فعالیت و کلا و نمابندگان ائمه علیهم‌السلام بود. در زمان امام رضا علیه‌السلام و با انتقال آن حضرت به مرو، عملاً مرکز رهبری و کلا و نمایندگان ائمه علیهم‌السلام در ایران پیشرفت چشمگیری داشت. نمونه دیگر، زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعید الاشعری قمی است که در منابع رجالی، از ثقات جلیل‌القدر و عظیم‌الشان و دارای وجهات نزد حضرت رضا علیه‌السلام دانسته شده و به نقل از آن حضرت آمده است:

رحمه‌الله یوم ولد و یوم قبض و یوم بیعت حیاً. فقد عاش أيام حیاته عارفاً بالحق، قائلاً به، صابراً محتسباً للحق، قائماً بما یحب‌الله و رسول و مضمی رحمه‌الله غیر ناکت و لا مبدل، فیخزائ‌الله أحر نینته و أعطاه خیر أمنتیه خدا او را مشمول رحمت خود قرار دهد. روزی که به دنیا آمد و روزی که وفات یافت و روزی که زنده برانگیخته شود. وی در ایام حیاتش با عرفان و اعتقاد به حق زیست و دربار بود و از حق و حقیقت جدایی نداشت. او برای آنچه خدا و پیامبرش

نقش هجرت امام رضا^(ع) در تعمیق و گسترش تشیع ایرانیان

تربیت یک ملت برای دوران واپسین

- مهرداد برون

دوست می‌دارد، کمر خدمت بسته بود و با همین حال، بدون تبدیل و انحرافی درگذشت. خداوند پادشای نیت او را به وی ارزانی دارد و بهترین آرزویش را به او عطا فرماید. در عصر امام رضا علیه‌السلام و پس از انتقال آن جناب به مرو، این منطقه به مرکز رهبری سازمان وکالت تبدیل شد و فعالیت‌های پنهان حضرت در نظارت بر کار وکلای نواحی مختلف، از این منطقه انجام می‌گرفت. وجود لقب «*روزی*» برای برخی از اصحاب ائمه (علیهم‌السلام)، نشانگر از تباط و وسیع شیعیان این منطقه با امامان شیعه علیهم‌السلام و رهبران سازمان وکالت است.

۴- تأثیرات علمی و فرهنگی

حیثیت بالای علمی امام رضا علیه‌السلام را باید مهم‌ترین عامل گسترش شیعه در ایران به حساب آورد، زیرا عصر امام رضا علیه‌السلام عصر شکوفایی مجدد علوم اسلامی و ورود افکار یگانه در جامعه اسلامی و شکل‌گیری مکتب فکری گوناگون بود. در دوره مأمون، ترجمه کتب به اوج خود رسید. او کتابخانه‌ای مخصوص را در مرکز این کار قرار داد که به «بیت‌الحکمه» معروف شد و بسیاری از دانشمندان و مترجمان در آنجا مشغول تحقیق بودند. در پی ترجمه متون خارجی که در بیت‌الحکمه و جندی‌شاپور انجام شده بود، اصطکاک فرهنگی جهان اسلام و غرب ایجاد شد. تبلیغات فرق و مذاهب مختلف نیز شرایط ویژه‌ای از لحاظ علمی و فرهنگی را وجود آورد؛ به عنوان مثال عقل‌گرایی محض که از کتب عقلی یونانی و سریانی و غیر آنها به وجود آمده بود، افراد بسیاری را به مذهب اعتزال سوق داد، به گونه‌ای که گمان کردند تنها عقل است که سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی‌نیاز از وحی دانستند. امام رضا علیه‌السلام با حرکت علمی همراه با عقلانیت و استفاده

از فرصت‌ها در مباحث و دانش سرشار خود و با احاطه علمی بر مبانی ادیان و مذاهب دیگر، تحول عظیمی در تاریخ اسلام ایجاد کرد. عمده‌ترین مؤلفه و پیش‌زمینه حرکت امام در راستای نهضت علمی مسلمین، آموزه‌های دینی مربوط به کتاب و سنت بوده است. امام با تکیه بر اصول علمی و معارف کلیدی، نهضت علمی را به اوج خود رساند. امام رضا علیه‌السلام در راستای روشن ساختن افکار عمومی مسلمین و شیعیان، به تنفیج و تبیین معارف دینی و تشکیل جلسات مناظره پرداخت و راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را به مردم و اهل علم معرفی فرمود و آنها را از خطر انحراف نجات داد. فضل بن عباس از اباصلت روایت می‌کند: از علی بن موسی ناتان ندیدم و هیچ عالمی به خدمت‌ذی‌شرفتش مشرف نشده، مگر اینکه در فضل آن حضرت، همان شهادتی که من می‌دهم، داد و چنان افتاد که مأمون، مجالس عدیده منعقد ساخت و از علمای هر دین و مذهبی و همچنین از فقهای شیعه، فراهم می‌ساخت و با آن حضرت از هر گونه علمی و مذهبی سخن می‌راندند و تمام ایشان از اول تا به آخر، مغلوب و مجاب می‌شدند، چندان که کسی از ایشان بر جای نماند، مگر اینکه اقرار به فضل و فرونی و رستگاری خود و نزدیکی از طبقات گوناگون، برای زیارت از اقدامات امام رضا علیه‌السلام در تحکیم مواضع شیعه و گسترش آن، تشکیل حوزه‌درسی در منزل و مسجد بود. علی بن موسی الرضا علیه‌السلام افزون‌بر شرکت در مناظرات عمومی و مجالس علمی که مأمون تدارک می‌دید، در منزل خود و مسجد مرو نیز حوزه علمی تشکیل داد و پذیرای شیعیان و پیروان خویش شده شیعیانی که شهرها و روستاهای دور و نزدیک و از طبقات گوناگون، برای زیارت آن حضرت علیه‌السلام و گرفتن راهنمایی و کسب معارف علمی و دینی و حل شبهات و مسائل گوناگون می‌آمدند، تعدادشان هر روز عمرو طوسی دستور داد مانع ورود و اجتماع آنها در خانه حضرت علیه‌السلام شود. شیخ طوسی صاحب حضرت رضا علیه‌السلام را ۳۱۷ نفر ضبط کرد که پس از شهادت امام نیز این حوزه به فعالیت خود ادامه داد. تاریخ گواهی می‌دهد از همان ابتدای ورود امام (علیه‌السلام)، به ایران چه در مرو و چه در طول مسیر، همواره ایرانیان با شور و اشتیاق به دور حضرت علیه‌السلام حلقه زده، از علم سرشار و دیدگاه‌های علمی و فرهنگی ارزشمند ایشان بهره بردند به عنوان نمونه رجاه بن ضحاک درباره رفتار امام علیه‌السلام در بین راه می‌گوید:

آن حضرت در هیچ شهری قدم نمی‌گذاشت، جز اینکه اهالی آن سلمان به دیدنش آمده، از وی مسائل و مشکلات دینی خود را می‌پرسیدند. حضرت به آنها پاسخ می‌گفت و بسیار برای آنان از پدرش، از آباء گرامی‌اش، از علی علیه‌السلام و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل حدیث می‌کرد.

۵- تأثیرات سیاسی

حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران را باید مرحله دیگری از استحکام و گسترش تشیع سیاسی به شمار آورد، چرا که مأمون می‌وشد، سرشار و درایتی بی‌سابقه قدم در میدانی نهاد که اگر پیروز می‌شد، می‌توانست درخت تشیع را ریشه‌کن کند اما امام هشتم علیه‌السلام با تدبیری الهی و شیوه‌ای حکیمانه، بر مأمون فائق آمد و او را در میدان نبرد سیاسی که خود به وجود آورده بود، به طور کامل شکست داد. امام رضا علیه‌السلام از اهداف پشت پرده مأمون در تحمیل ولایتعهدی آگاه بود. از این رو هنگامی که ناجار شد پس از تهدید مأمون ولایتعهدی را بپذیرد، به گونه‌ای با این مقام موافقت و رفتار کرد که به نفع مأمون تمام نشود. کار به آنجا رسید که مأمون احساس خطر کرد و گفت: با بزرگداشت او (امام رضا علیه‌السلام) مرتکب اشتباه شدیم و خود را در معرض نابودی قرار دادیم. سهیل‌انگاری در کار او جایز نیست. باید اندک‌اندک از موقعیت او بکاهیم تا وی را در نظر مردم چنان ترسیم کنیم که از دید آنها، شایستگی خلافت نداشته باشد. سپس در مورد او چنان اندیشه کنیم که خطرات وی منتهج ما نشود. در همان حال که امام علیه‌السلام به عنوان ولیعهد شناخته می‌شد و از امکانات دستگاه خلافت نیز برخوردار بود، چهره‌ای به خود می‌گرفت که گویی با دستگاه خلافت مخالف و به آن معترض است، به گونه‌ای که

هیچ گونه دخالتی در امور حکومت نمی‌فرمود. از این رو می‌توان گفت قبول ولایتعهدی از سوی امام (علیه‌السلام)، موجبات استحکام پایه‌های شیعه در ایران را فراهم کرد، چرا که مناظرات و احتجاجات امام (علیه‌السلام)، موجب شناخت اهمیت مذهب امامیه و شیعه از تقیه خارج شد. علمای شیعه که تا آن زمان تقیه می‌کردند، رسماً ابراز تشیع می‌کردند، تا جایی که علمای سنی و پیروان مذاهب ایشان، خراسان را ترک کردند و به طرف بغداد رفتند و اطراف عباسیان را گرفتند در مقابل، ایرانیان علاقه‌مند به علم و فرهنگ و اهل بیت (علیهم‌السلام) به سوی خراسان آمدند و در محضر امام علیه‌السلام به آموختن علم و دانش پرداختند.

امام رضا علیه‌السلام در پاسخ محمد بن عرقه که از علت قبول ولایتعهدی سوال کرد، فرمود:

مَسَا حَمَلَ جَدَی اَمِیرِ الْمُؤْمِنِین علیه‌السلام عَلَی الدُّخُولِ فی الشُّورَی؛

همان دلیلی که جدم امیرالمؤمنین را وادار به ورود به شورا کرد امن را نیز وادار به پذیرش ولایتعهدی نمود.

یکی از اهداف مأمون در ولیعهد قرار دادن امام رضا (علیه‌السلام)، کنترل قیام‌های شیعیان ضد عباسیان بود اما پس از آنکه امام عهده‌دار ولایتعهدی شد، نه تنها شیعیان به مبارزات خود پایان ندادند، بلکه این مبارزات حتی در زمان خلافت مأمون نیز ادامه داشت و پس از شهادت امام علیه‌السلام پرمناهنه‌تر شد. از جمله این قیام‌ها که بلافاصله پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام صورت گرفت، قیام احمد بن موسی معروف به شاهچراغ، برادر امام علیه‌السلام است که در سال ۲۰۳ ز رخ داد.

۶- تأثیرات اقتصادی

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس همچون حاکمان ساسانی، خراج سسگینی بر کرده ایرانیان بار می‌کردند و این موجب ناراضی‌تی و عصیان مردم بود، چنانکه حسن بن محمد قمی می‌نویسد: در ایام القدیم، امر چنان بوده است که ارباب خراج را به قم تکلیف و الزام کرده‌اند به هر هزار دینار، ۲۵ دینار... و بعد از مدتی ۲ نصف نهاده‌اند: یکی چنانچه یاد کردم و دیگری آنکه به هر هزار دینار، ۳۳ دینار... چون زیاد بن عبید بر عراق والی شد، بفرمود تا دینار وافی کسروی بستانند. کسی در این معنی قیام نمی‌نمود. پس زیاده خراج بر ایشان مضاعف گردانید. پس آن، ملوک بنی‌مروان در این تکالیف و کفایت بسیار زیاده کردند تا غایتی که مردم از آن به تنگ آمدند و بی‌طاعت شدند. این وضع در زمان بنی‌عباس نیز ادامه داشت، چنانکه مأمون، معتمد و مستعین برای امر مردم قم، لشکر می‌فرستادند تا خراج را به زور از آنان بستانند. مردم قم تا آنجا که توان داشتند از پرداخت خراج به خلفای جور امتناع می‌کردند اما مأمون حکومتی «ثان را سرنگون درمی‌آویختند و می‌زدند و سراهای ایشان را خراب می‌کردند... و اموال ایشان را برمی‌داشتند.» طبیعی است مذهبی که این حاکمان، مبلغ آن بوده‌اند، آن چیزی نبود که ایرانیان برای آن از دین و ایمان و اجدادی خویش دست کشیدند. اینجاست که روی سوی خانه گلین فاطمه علیها‌السلام نهادند و همواره عاشق عدالت علی علیه‌السلام و حکومت خاندان علی علیه‌السلام بودند و به گفته فان فلوتن: «علت گرایش ایرانیان به علویین این بود که آنها عدل واقعی را جزر در حکومت علی علیه‌السلام مشاهده‌کنند».

تقلیل میزان مالیات و کمک به فقرا را نیز می‌توان از پیامدهای اقتصادی هجرت امام رضا علیه‌السلام به ایران دانست.

■ نتیجه‌گیری

بی‌شک باید حضور امام رضا علیه‌السلام را در ایران نقطه عطفی در تاریخ تشیع این منطقه به شمار آورد. به‌رغم همه محدودیت‌هایی که مأمون برای جلوگیری از فعالیت امام رضا علیه‌السلام و ارتباط شیعیان با امام علیه‌السلام به وجود آورده بود، بازترین موضوع در سیره امام رضا علیه‌السلام از مدینه تا مرو، تلاش حضرت برای معرفی جایگاه معصومین علیه‌السلام در این فرصت است. امام رضا علیه‌السلام از لحظه حرکت از مدینه تا مرو، از روش‌های گوناگون برای نشاناندن شیعه بهره برد. امام در طول مسیر، احادیث را از طریق پدران به بدش به حضرت علی و پیامبر سلام الله علیهما می‌رساند. این بهترین روش برای معرفی مکتب تشیع و خنثی‌کننده توطئه‌هایی بود که شیعه را خارج از دین می‌شمرد. از آنچه گذشت آشکار شد که تشیع ایرانیان، امری از روی اجبار نبوده است، بلکه ایرانیان، اسلام و تشیع را با روح خود سازگار دیدند و فطرت عدالت‌خواهانه آنان، علی علیه‌السلام و فرزندش امام رضا علیه‌السلام را مظهر عدالت و صبق و راستی یافتند. از این رو دعوت ایشان را لیبیک گفتند. عوامل تأثیرگذار در گسترش تشیع در ایران پس از هجرت تاریخی امام رضا علیه‌السلام را می‌توان چنین برشمرد:

۱- تأثیر شخصیت علمی، معنوی و شیوه‌های اخلاقی و رفتاری

۲- مهاجرت فرزندان ائمه (علیهم‌السلام)، بویژه حضرت معصومه (علیه‌السلام) به ایران

۳- فطرت دینی و روح عدالت‌خواهی ایرانی‌ها

۴- بنای مساجد و مدارس علمی و تشکیل کلاس‌های درس برای آموزش علوم اسلامی و فرهنگ شیعی توسط امام علیه‌السلام و یاران‌شان

۵- حضور فقها، راویان، عالمان و وکلای امام علیه‌السلام در ایران

۶- پیدایش نهضت‌ها و جنبش‌های شیعی در ایران

۷- تشکیل حکومت‌های شیعی

۸- تبعیض و بی‌عدالتی‌های حکومت‌های ساسانی، اموی و عباسی

۹- خراج‌های سنگین تحمیل شده بر مردم

در پایان باید گفت حضور نزدیک به ۳ ساله امام رضا علیه‌السلام در خراسان و بعدها مقبره آن حضرت در ایران، موجب استحکام و گسترش تشیع در ایران شد. آمدن امام رضا علیه‌السلام به ایران، چاه جایی در جغرافیای عالم اسلام را به وجود آورد؛ تشیع به ایران منتقل و از اینجا به دنیا منتشر شد.